

مدیریت برقراری ارتباط با دانش آموز در کلاس ریاضی

ریحانه سادات مهدی‌زاده^۱، ساره حق خواه^۲

چکیده

از مهم‌ترین وظایف معلمان در فرایند آموزش، برقراری روابط صحیح و سالم با دانش‌آموزان است. دانش‌آموز باید از طریق مدرسه و به وسیله معلم، اجتماعی شدن را بیاموزد و با کسب مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز جامعه، هم‌موجب موفقیت و پیشرفت خود و هم باعث اعتلای جامعه گردد. مقاله حاضر سعی دارد با عنایت به فرایند کنش‌پژوهی صورت گرفته، اصولی را در مدیریت برقراری ارتباط با دانش‌آموز در کلاس ریاضی ارائه نماید. در راستای این هدف با مطالعه کتاب‌ها و مقالات مختلف و مذاقه و تأمل ویژه بر تعاملات پژوهشگر در محیط مدرسه، سعی شد نقاط ضعف یا گسل‌های تهدیدگر ارتباطی شناسایی و طی شش جلسه‌ی تدریس به نقاط قوت یا فرصت تبدیل نماییم. از نتایج مهم حاصله، لزوم دقت در رفتار خود بصورت عام و خاص است. این مهم از آن جهت است که ارتباط صرفاً جنبه‌ی کلامی ندارد و تمامی افعال، ایماها، اشاره‌ها و... همگی در بردارنده پیام و حاوی نشانه‌اند. احترام به شخصیت همه در هر جایگاه اجتماعی شالوده‌ی حفظ کرامت انسانی طرفین و برقراری تعامل سازنده می‌باشد. به طور کلی در راستای ارتباط موثر هشت راهکار عملی به عنوان فرضیه در بوته‌ی آزمایش قرار گرفت که صحت‌سنجی شد و فرضیه‌های سره از ناسره بازشناسی گردیدند.

واژه‌های کلیدی: ارتباط بین فردی، معلم، دانش‌آموز، ریاضی، تدریس.

^۱ دانشجوی کارشناسی دبیری ریاضی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز، Rs.mehdizadeh@yahoo.com

^۲ دکترای ریاضی، استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز.

مقدمه

تربیت حرفه‌ای معلمان از شناخت خود، حرفه و مخاطبان آغاز می‌شود، به شیوه‌های انتقال مطالب و برقراری ارتباط با دانش‌آموزان راه می‌یابد و تا خودآموزی، خودناظری، خودابزاری، جستجوگری، پیش‌خواهی، پیش‌نگری، جرأت تغییر در خود، و ده‌ها موضوع اساسی دیگر که حرفه‌ی معلمی را تصویر می‌کنند، کشانده می‌شود. برای دست یافتن به چنین آمادگی‌هایی، پس از دستیابی به اصول آموزشی و کسب مفاهیم نظری لازم، کارورزی و درگیر شدن عملی با جریان آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل برنامه‌ی آموزشی دانشجو معلمان بر کارورزی و راه و روش آن تأکید دارد (رؤوف، ۱۳۷۵).

در این مقاله فرآیند کنش‌پژوهی پژوهشگر و نتایج حاصله مربوط به درس کارورزی ۳ دانشگاه فرهنگیان در کلاس‌های درس ریاضی بیان می‌گردد. در کارورزی ۳ فعالیت دانشجویان در کلاسهای درس سطح وسیعی را دربرگرفت و فعالیت‌هایی نظیر تدریس کامل مباحث به دانشجو واگذار می‌شد؛ بنابراین دانشجویان برای قرارگیری در محیط کار، بیشتر آماده می‌شدند و تجارب خوبی کسب می‌نمودند. همچنین یک پژوهش گسترده برای از بین بردن یکی از نقاط ضعف آموزشی بایستی انجام می‌شد. نحوه خلقت انسان به گونه‌ای است که به تنهایی قادر به رفع نیازمندی‌هایش نیست و لذا به زندگی جمعی روی می‌آورد و لازمه این زندگی جمعی برقراری ارتباط است. از نظر بارنارد نیز سه عنصر اصلی سازمان، هدف، ارتباط و تمایل اعضا به همکاریست؛ تا مدیر با معلم، معلم با دانش‌آموز، مدیر و معلم با اولیاء و... رابطه برقرار نکنند چگونه می‌تواند احساسات و عواطف خود را بدانها منتقل کند و موجب تغییر گردد؟ (علاقه بند، ۱۳۹۳)

مهارت‌های ارتباط موثر بر این نکته تأکید می‌ورزد که «معلم بودن» پیچیده‌ترین و دشوارترین فعالیت‌هاست؛ چرا که معلم با انسان‌های مختلف و پیچیده سر و کار دارد، در نتیجه فن معلمی هنری است ظریف و حساس که با کمترین لغزش و خطا، خسارت جبران‌ناپذیری بر شخصیت فراگیر وارد شده و قطعاً هرگونه رفتار صحیح و سنجیده موجب آینده‌ای درخشان برای فرد می‌شود. با این مقدمه باید دریافت که یک معلم باید به گونه‌ای رفتار کند که اولاً ارتباط عاطفی و معنوی محبت‌آمیز وی با دانش‌آموزان حفظ شود و ثانیاً مدیریت و کنترل کلاس را به نحو شایسته‌ای انجام دهد و از منظری دیگر معلم باید در مقابل رفتارهای نامطلوب فراگیران از جمله خستگی از درس، استقلال طلبی در برابر معلم و احیاناً بی‌توجهی به مقررات کلاس تصمیم درست و شایسته‌ای را اتخاذ کند (نقیه، ۱۳۸۹). در مقاله حاضر با بررسی‌ها، مطالعات و تأملات صورت گرفته وضعیت مطلوب آرمانی و در عین حال قابل دسترسی را برای خود ترسیم نموده و سعی شد در

تمام فرصت‌ها، ایده‌های مطرح شده برای برطرف نمودن این مشکل را به کار گیریم، چرا که با برقراری ارتباط مناسب فرآیند آموزشی نیز به خوبی هدایت می‌شود و موفقیت‌هایی در همه زمینه‌ها محقق خواهد شد؛ با توجه به توضیحاتی که بیان شد ارتباط دو سویه معلم-شاگرد جایگاه مهمی در فرآیند تعلیم و تربیت و خصوصاً در کلاس‌های ریاضی دارد، چرا که ریاضی همواره درسی است که فراگیری آن به نسبت بقیه دروس برای دانش‌آموزان سخت‌تر می‌باشد و بسیاری از بچه‌ها از یادگیری آن ناامیدند و با استرس و اضطراب در کلاسها حضور می‌یابند و لذا مشکلات و نقاط ضعف این مقوله از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و معلم می‌تواند با داشتن مهارت برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و مدیریت آن، کلاس‌های بی‌روح ریاضی را شکوفایی و شادابی بخشد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۳).

بیان مساله

از مهم‌ترین مهارت‌ها و مسئولیت‌های معلم برقراری ارتباط عاطفی با متعلمین می‌باشد، ارتباط و تعامل بین معلم و دانش‌آموز در تمام لحظات حضور معلم در کلاس و مدرسه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دائمی جاری است و نحوه‌ی برقراری این ارتباط تأثیرات مهم و قابل توجهی بر عملکرد معلم و دانش‌آموز خواهد داشت. (چارلز، ۱۳۸۳). در ابتدای حضور در کلاس‌های درس به عنوان یک معلم، در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان چندان موفق نبوده و در مواقعی که فعالیتی را در کلاس انجام می‌دادیم، نمی‌توانستیم به واکنش تک‌تک دانش‌آموزان بازخورد‌های مناسبی ارائه نماییم یا اغلب به علت تمرکز بر روی محتوایی که قرار بود در کلاس بیان شود، دیگر برقراری ارتباط با بچه‌ها و حتی نگاه کردن به آن‌ها دشوار بود. در نتیجه مدیریت کلاس نیز به خوبی محقق نمی‌شد و موجب بروز بی‌نظمی‌هایی می‌گشت. بنا به گفته دکتر حسن شعبانی، ایجاد شرایط مطلوب یادگیری در کلاس درس بدون فراهم کردن زمینه ارتباط مؤثر ممکن نخواهد بود (شعبانی، ۱۳۹۲). لذا برای حل مساله به مباحث حوزه علو ارتباطات تمسک جسته شد.

بی‌شک ارزیابی این مهم که آیا تغییر قابل توجهی در انتقال از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب انجام پذیرفته است یا خیر؛ نیازمند شاخص و معیار قابل سنجش و اندازه‌گیری است. این شاخص‌ها بایستی تجربه‌پذیر و قابل تکرار باشند، با توجه به موضوع انتخاب شده بهترین شاخص برای درک موفقیت سیاست‌های اعمال شده به قرار زیر تعبیر می‌گردد:

۱ → (مفهوم دریافتی / مفهوم مقصود) = \lim ارتباط موثر

به عبارتی در پرسش از دانش آموزان، هرچه آنها مفاد آموزشی را به گونه ای پاسخگو باشند که جواب، نزدیکتر به منظور صحیح مورد نظر معلم باشد، آموزش بهتر انجام پذیرفته و ارتباط موثرتر بوده است. پس می توان با پرسشگری و اخذ آزمون از دانش آموزان و مقایسه ی نتایج ارزیابی های دوره ای، کیفیت ارتباط بین معلم و شاگرد را مورد بررسی قرار داد.

مدرسه ی محل کارورزی در این پژوهش، دبیرستان امام حسن عسکری (ع) در دوره متوسطه اول بود که در شهر شیراز واقع گشته است. ده ایده و راهکار عملی به عنوان فرضیه های عملیاتی بهبود روابط بین معلم و شاگرد از نگاه معلمان و عوامل اجرایی امر تعلیم و تربیت و مستندات علمی که به نظر اینجانب جنبه ی کاربردی دارد ارائه می گردد:

۱. اشتباه دانش آموزان خود را بزرگ نکنید. این کار باعث می شود بعد از مدتی دانش آموز فکر کند و باور کند که هر کاری انجام می دهد یا هر سخنی که می زند اشتباه بوده و به یک دانش آموز منزوی تبدیل شود.

۲. همیشه با همه ی دانش آموزان احوال پرسى کنید و حتی در مورد مشکلاتشان از آنها سوال کنید و با مهربانی و دلسوزی سعی در رفع مشکلات آنها بکنید.

۳. به نظریات و سخنان دانش آموزان چه در هنگام تدریس و چه در هنگام غیر تدریس خوب گوش دهید و سخنشان را در وسط کلامشان قطع نکنید.

۴. هیچگاه در کلاس و مدرسه به یک نفر توجه و اهمیت خاصی نشان ندهید و یک نفر را در کلاس یا مدرسه برجسته نکنید.

۵. به دانش آموزان مانند یک برادر یا خواهر کوچکتر احترام بگذارید.

۶. همیشه با لبخند وارد مدرسه و کلاس بشوید با لبخند در مدرسه و کلاس بمانید و با لبخند مدرسه و کلاس را ترک کنید.

۷. جای مناسب در کلاس برای خود انتخاب کنید و با همه ی دانش آموزان در تعامل و رفت آمد باشید (نقیه، ۱۳۸۹).

۸. فضای کلاس درستان را جذاب کنید و از حضور تک تک دانش آموزان در کلاس درس استفاده کنید.

۹. با دانش آموزان خود همدلی کنید. این کار باعث می شود که زمینه نفوذ در دانش آموز برایتان فراهم گردد و او را بهتر درک کنید و باعث افزایش میزان ارتباط میان شما بشود.

۱۰. اگر دانش آموزان کار اشتباهی انجام داده است او را مستقیماً مورد موعظه قرار ندهید. می توانید خود را مورد خطاب قرار دهید (چارلز، ۱۳۸۳).

برای اجرای راه حل های عملی علاوه بر ایجاد حس درونی، برنامه ریزی عملی برای تحقق آنها بصورت میدانی وجود دارد. عینیت بیرونی این راه حل ها ناشی از اجرای برنامه ی مطلوب تدوین شده متناسب با وضعیت مطلوب پیش بینی شده است. این فرضیات که هشت عدد بودند بصورت زوج زوج دسته بندی شدند تا در هر جلسه ی حضور در کلاس به ترتیب با یک روند تجمعی، بتوان پس از ۴ جلسه بر همه ی موارد تسلط اجرایی پیدا نمود.

اجرای طرح

در کارورزی ۳ روش کاری که از دانشجویان خواسته شده بود به این صورت بود که در طول ترم حداقل ۶ جلسه تدریس را با هماهنگی با معلم راهنما اجرا نماییم؛ هر تدریس شامل شش مرحله بود و سعی محقق نیز بر این بود تا در هر شش مرحله با توجه به مطالعه کتاب های علمی مختلف و دیگر روشها نقطه ضعف خود را به نقطه قوت تبدیل نموده و در پایان پژوهش به وضعیت مطلوبی رسیده باشیم. در این قسمت اقداماتی که در شش جلسه تدریس در طول تحقیق اجرا نموده؛ بیان می شود.

از جلسه ی دوم تدریس راهبردهای اتخاذ شده به قرار زیر اجرا شدند. شایان ذکر است در جلسه اول دو راهبرد شروع با لبخند، جایابی مناسب در کلاس اجرا شد. این دو راهبرد در جلسات دیگر نیز مستمراً مورد توجه بود. در ادامه راهبردهای سه الی هشت، بصورت زوجی در جلسات اجرا شد به طوری که در دو جلسه ی آخر به همه راهبرد ها جامه ی عمل پوشانده شد. نتایج اجرای فرضیه ها به قرار زیر گزارش می شود:

۱. **همیشه با لبخند وارد مدرسه و کلاس بشویم.** برای مدیریت بهتر رفتار با دانش آموزان در شروع کلاس از قبل تصمیم گرفته شد، این نکات به کار گرفته شوند که شامل: سلام و احوال پرسی اولیه با آن ها و وارد شدن با لبخند به کلاس، حس ارزش قائل بودن برای تک تک آن ها، صدا زدن با اسم.

۲. **جای مناسب در کلاس برای خود انتخاب کنیم.** پژوهشگر معمولاً در کلاس و به ویژه زمان انجام فعالیت گروهی بین گروه ها قدم زده و در صورتی که متوجه حضور فردی منزوی در گروه می شد که

هیچ تلاشی نمی‌کند با او صحبت نموده، تا مشکلیش در صورت امکاناز بین رود؛ همچنین سعی شد هنگامی که مشارکت آن‌ها را در گروه می‌بینیم آنها را تشویق کرده و به این ترتیب روابط بهتر با آنها برقرار نماییم تا حس اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند که با توجه به توصیه‌های کتاب ۵۰۰ نکته برای معلمان، کمک به دانش آموزان فاقد اعتماد به نفس و ایجاد حس خودباوری در آن‌ها از طریق بزرگ جلوه دادن موفقیت آن‌ها در برقراری ارتباط مؤثرتر بین معلم و دانش آموزان در کلاس حائز اهمیت است؛ (براون / ارلام / ریس، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

۳. با تدوین طرح درس و توجه به پیوستگی و سطح بندی، بر ارتباط دانش آموز و

کلاس بیفزاییم. برای ایجاد نظم در تدریس و توجه به همه مضامین آموزش، قبل از حضور در کلاس درس طرح درس آموزشی را در شش مرحله تدوین نموده و زمان مناسب برای هر بخش را تعیین می‌کردیم.

۴. هیچگاه در کلاس تنها به یک نفر توجه نشان نداده و از حضور تک تک دانش

آموزان استفاده کنیم. محقق سعی داشت در مدت زمان حضور در کلاس به همه توجه داشته و کسانی که ضعیف تر هستند و مشارکتی در کلاس ندارند را به فعالیت وادار نماییم. در هنگام ارائه توضیحات؛ مشاهده شد دانش آموزی چند بار رشته کلام را قطع نمود و یافته‌های خود را بیان می‌کرد، در نتیجه تصمیم گرفته شد این وقفه‌ها را به تجربیات مثبت آموزشی تبدیل نموده و در زمان ایجاد شده نکته‌های مثبت آموزشی استخراج نماییم؛ بدین ترتیب دانش آموز احساس می‌کند به حرف او اهمیت داده شده و سعی می‌کنند در دفعات بعد بدون دلیل در کار معلم وقفه ایجاد نکنند (براون / ارلام / ریس، ۱۳۹۰: ۲۳).

۵. اشتباه دانش آموزان خود را بزرگنمایی نکنیم. از مواردی که این راهکار به کار گرفته شد به

این صورت بود، هنگامی که برگه دانش آموزان را به آنان تحویل دادم، بچه‌ها در آن لحظه بسیار حساس بودند و تا حدودی اضطراب داشتند اما مشاهده شد که کسانی که نمره‌ی کامل گرفته بودند و جملات تشویقی را می‌خواندند؛ بسیار خوشحال می‌شدند. در عین حال با محرمانه تحویل دادن برگه دانش آموزان به آنها، ترتیبی اتخاذ شد که دانش آموزان با نمره پایین به صورت فردی مورد نکوهش قرار نگیرند. که در کتابهای مطالعه شده در ارزشیابی از کار دانش آموزان چنین اشاراتی شده است (براون / ارلام / ریس، ۱۳۹۰: ۴۵).

۶. با همه ی دانش آموزان احوال پرسى کنیم و با مهربانى و دلسوزى سعى در رفع

مشکلات آنها داشته باشیم. سعى شد اين احساس پذيرش را در بچه ها ايجاد نموده و در مواقعى که کسى سوالى مى پرسيد با صرف دقت و حوصله و با گشاده رويى به او پاسخ دهيم (نقیه، ۱۳۸۹).

۷. فضای کلاس درس را جذاب کنیم. در اکثر جلسات، جهت افزایش جذابیت کلاس از

نمایش تصاویر گرافیکی با ویدئو پروژکتور استفاده شد. با توجه به اینکه تصاویر نمایش داده شده از کیفیت گرافیکی خوبی برخوردار بود و ارزش های دربرگیری، ندرت و تازگی را در خود مستتر داشت دانش آموزان با علاقه زیاد به درس توجه می نمودند و پارازیت های محیطی آنان را به خود مشغول نمی کرد. برای درگیر کردن دانش آموزان و افزایش جذابیت در تدریس مبحث قدر مطلق نیز، ابتدا یک کلیپ به آنها نشان داده شد، سپس سوالی مفهومی که نیاز به حل ریاضی نداشت از درس آن روز، برای بچه ها مطرح شد. در کلاس هشتم برای حل یکی از سوال های فعالیت کتاب از بچه ها خواسته شد؛ رباتی در نظر گیرند که به صورت افقی یا عمودی حرکت می کند و ۲ نفر از بچه ها آمدند تا فرمان ربات را روی کاشی های کف کلاس عملی انجام دهند، به این صورت آن ها با جمع برداری به صورت هندسی و مختصاتی به خوبی آشنا می گشتند و عملاً آن را تجربه می کردند.

۸. اگر دانش آموزی کار اشتباهی انجام داد او را مستقیماً مورد موعظه قرار ندهیم.

در حین تدریس متوجه شدیم تعدادی دانش آموز در کلاس نسبت به درس بی توجه اند و به توضیحات گوش نمی دادند، برای رفع این مشکل و مدیریت آن سعى شد؛ با توجه به مطالعات قبلی از این راهکار کمک بگیریم که، چون می دانیم انسان ها ذاتاً به تمجید علاقه مند هستند، پس به جای تذکر و غر زدن به شاگردان بی توجه، از افراد پویا و فعال کلاس تعریف شود و زمینه ای برای افزایش انگیزه دیگران فراهم آمد (براون/ارلام/ریس، ترجمه خاکسار، ۱۳۹۰: ۲۰). این راهکار با توجه به این مستند نیز تایید می شود، بر اساس گفته آیه الله مظاهری از وظایف سنگین معلم یا استاد علاوه بر تعلیم و تربیت، شخصیت دادن به دیگران است و معلم باید به سخنان خویش بسیار دقت کند تا مبادا موجب رنجش خاطر یا خجالت زدگی شاگردش شود، در این روز بعد از تجربه چند جلسه تدریس موفق به کنترل بازخورد ها و رفتار بچه ها گشته و توانستیم بازخوردهای مناسب تری به آن ها دهیم و پیشرفت خود را در مدیریت برقراری ارتباط کاملاً احساس نمودیم.

بازکاوای و ارزیابی طرح

حال در این قسمت از مقاله به تأمل، دقت و بازنگری در مورد وضعیت حاصله پرداخته و با بررسی ملاکها، گزارشها و شناختی که نسبت به خود داشته؛ بررسی می‌شود تا چه حد به وضعیت مطلوب رسیده‌ایم و میزان تأثیر راهکارهای به کار گرفته شده را بررسی می‌نماییم؛ این کار در عمل در واقع همان گام سوم کنش پژوهیست. یکی از راه‌های مهم برقراری روابط حسنه بین معلم و دانش‌آموز و در تمام جلسات مورد استفاده قرار گرفت این بود که "همیشه با لبخند و چهره‌ای با نشاط وارد مدرسه و کلاس بشویم." با اجرای این روش با اولین برخورد صورت گرفته بین پژوهشگر و بچه‌ها نگرش مثبتی در ذهن آنها ایجاد می‌شد. نکاتی که متناسب با این راهبرد مورد استفاده قرار گرفت شامل: سلام و احوال‌پرسی اولیه با آن‌ها و وارد شدن با لبخند به کلاس، انتقال حس ارزش‌قائل بودن برای تک‌تک آن‌ها در رفتار و ... بود. با دقتی که بر نحوه‌ی بازخورد بچه‌ها بعد از این عمل داشتیم، متوجه شدیم که این روش بسیار موثر است و یکی از نکاتی است که هر معلمی به سادگی می‌تواند آن را به کار گیرد. بنا به گفته آیه الله مظاهری از جمله عواملی که موجب پیشرفت انسان می‌شود تَلَطُّف در زبان است و عدم توانایی در بکارگیری لغات مناسب و آداب معاشرت ضربه بزرگی به شخصیت انسان و در بعضی مواقع به طرف مقابل او وارد می‌کند و رعایت این نکته برای معلم بسیار مهم است و پیامبر اسلام نیز با زبان نرم خویش توانستند عربهای جاهل را نزد خویش جمع کنند (مظاهری، ۱۳۷۰).

با توجه به برنامه کاری محقق که بایستی تدریس خود را در شش مرحله انجام داده، سعی بر این بود که برای هر شش مرحله و متناسب با درس آن روز و برنامه‌ای که برای بچه‌ها در نظر گرفته شده بود، راهبردها و ایده‌هایی در جهت برقراری ارتباط موفق با بچه‌ها در ذهن داشته باشیم، یکی از این راهبردها "انتخاب جای مناسب در کلاس برای خود" بود که اغلب با توجه به آموزش محور بودن کتاب‌های ریاضی جدید و طراحی کارهای عملی و گروهی برای بچه‌ها، در برقراری ارتباط موثرتر بسیار موفقیت‌آمیز بود و با قدم زدن بین ردیف‌ها و گروه‌ها به طور مستقیم توانستیم؛ ضمن ارتباط نزدیک با آنها، بر فعالیت‌های دانش‌آموزان اشرافیت کاملی داشته باشیم.

نتیجه‌ی موثر این عملکرد آن بود که در صورتی که می‌دیدیم فردی در گروه هم‌کلاسی‌ها منزوی است و هیچ تلاشی نمی‌کند با او صحبت نموده تا اگر مشکل خاصی دارد برطرف شود یا انگیزه پیدا کند، در فعالیت‌های دسته‌جمعی مشارکت کند. تحلیل پژوهشگر آن بود که اغلب دانش‌آموزانی که کمتر در کلاس به آن‌ها توجه می‌شد به انزوا عادت کرده بودند و اعتماد به نفس پایینی داشتند. اما سعی شد با جایابی مناسب

در کلاس و حضور در بین همه‌ی گروه‌ها، آن‌ها را تشویق به مشارکت کنیم و به این ترتیب روابط بهتر با آنها برقرار نماییم تا حس اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند.

راهکار سوم استفاده شده که آن را مورد بازنگری قرار می‌دهیم به این صورت بود که "طرح درس به این صورت تدوین گردد که دارای پیوستگی باشد و به کاربرد مطالب در زندگی روزمره به طور مستقیم توجه کند." با توجه به این که سوالی که اغلب ذهن دانش آموز را پس از تدریس یک درس درگیر می‌کند، این است که این درس فراگرفته شده، به چه درد ما می‌خورد؟ و کجا می‌توانیم از آن استفاده کنیم؟ در حالی که ریاضیات به عنوان یک درس اصلی است که داشتن درک درست از آن در آینده تحصیلی دانش‌آموزان و طبعاً پیشرفت علمی کشور نقش مهمی دارد. همچنین ریاضی ارتباطاتی با زندگی روزمره، سایر علوم و کاربردهایی در زندگی عملی آینده‌ی دانش آموز دارد. به این ترتیب در برنامه‌ی درسی و آموزشی، برقرار کردن پیوند ریاضیات با کاربردهایش در زندگی و سایر علوم از قبیل: هنر، علوم طبیعی، علوم مهندسی، علوم اجتماعی و... باید مد نظر قرار گیرد. با گنجاندن این اصل در روش تدریس ارتباط برقرار نمودن بچه‌ها با فضای درسی و در نتیجه با معلم بسیار بیشتر شد و آن‌ها سعی می‌کردند خود نیز بتوانند کاربردی از درس را معرفی کنند در نتیجه تعاملات خوبی بین محقق و بچه‌ها برقرار شد و اثر مستقیم این روش را در بهبود روابط کاملاً احساس می‌کردیم و به همین خاطر تصمیم گرفتیم در سال‌های آتی نیز این روش را به کار گیریم.

راهکار بعدی که مورد بررسی قرار می‌دهیم به این صورت است؛ "هیچگاه در کلاس تنها به یک نفر توجه نکنیم، از حضور تک تک دانش‌آموزان در کلاس استفاده کنیم و به نظریات و سخنان دانش‌آموزان در هنگام تدریس گوش دهیم." که سعی شد به کل بچه‌ها در کلاس توجه داشته باشیم و از آنها مطابق با سطح علمی، روحیات و ویژگی آن‌ها انتظار نتیجه موثر باشد. که با توجه به کتاب منیه‌المیرید از شهید ثانی نیز داریم که هنگام طرح پرسش، درنگ معلم و دادن فرصت به بچه‌ها بسط و توضیح مسأله را در پی خواهد داشت (حجتی، ۱۳۶۴: ۳۰۶).

راهبرد پنجم چنین انتخاب شده بود، "اشتباه دانش‌آموزان خود را بزرگنمایی نکنیم." در واقع تجربه نشان می‌دهد که عدم تاکید بر اشتباه دانش‌آموزان و فرصت دادن به آنها برای اصلاح اشتباه‌ها در فرایند آموزش منجر به توجه بیشتر آنها به محتوای درس می‌گردد.

راهبرد ششم چنین اتخاذ شد که "با همه‌ی دانش‌آموزان احوال‌پرسی کنیم و با مهربانی و دلسوزی سعی در رفع مشکلات آنها داشته باشیم." با اجرای این راهبرد عملاً دریافتیم که در صورت وجود فضای

صمیمانه در کلاس درس دانش آموز سوالات خود را راحت تر می پرسد. لذا اگر در برخی از قسمت ها، ابهام یا کج فهمی رخ داده بود، با توجهات اولیه کاملا برطرف میگردید. این راهبرد را در توان ممکن عملی شد اما به دلیل ارتباط مقطعی با دانش آموزان امکان برقراری پیوند قلبی محقق نبود. اما رابطه ی صمیمی معلم و شاگردان منجر شده بود که آن ها از ابتدای شروع کلاس، انگیزه ی لازم برای گوش دادن به درس را داشته باشند.

طبق راهبرد بعد سعی شد "فضای کلاس درس را جذاب کنیم". تدریس ریاضی به سبکی که بین زندگی روزمره و مفاد درسی پیوند برقرار نماید، بسیار راحت تر است و فعل آموزش نیز برای دانش آموزان جذاب تر خواهد بود. لذا برای جذاب تر شدن درس، سعی نمودیم ریاضی را از حالت بنیادی به بستر کاربردی منتقل کنیم. چنانکه در هر جلسه با نشان دادن چند تصویر از صحنه های طبیعی، نمایش فیلم، طراحی بازی و سرگرمی و ... که مرتبط با موضوع درس بود؛ مشاهده شد که ارتباط بچه ها با محتوای درس و کلاس خیلی بیشتر می شود. هم چنین انجام فعالیت با کاغذ پوستی و شطرنجی درس را برای دانش آموزان ملموس تر و جذاب تر می نمود و قدرت درک شهودی آن ها در هندسه را تقویت می کرد. بدین ترتیب نتیجه می شود آموزش درس به طور کاربردگرا مفید تر خواهد بود. به دلیل جذابیت های بصری موجود در پاورپوینت نمایش داده شده به آنها و امکان متحرک سازی اشکال و تصاویر توجه دانش آموز بیشتر به درس جلب می شد.

طبق هشتمین و آخرین راهبرد سعی شد "اگر دانش آموزی کار اشتباهی انجام داد او را مستقیما مورد موعظه قرار ندهیم". این راهبرد بسیار جنبه ی عملی داشت چنان که مثلا تعدادی از دانش آموزان که توجه کافی به درس نداشتند پس از لحظاتی بدون تذکر شخصی و تنها با مشاهده تشویق شدن مشارکت دوستانشان، سریع به شرکت در بحث ها علاقه مند شدند و به فضای درس وارد شدند. از دقت در روایات اهل بیت و قرآن کریم نیز می یابیم که بارها این نکته ذکر شده و همگی اولیا خدا و پیامبران بر حفظ شخصیت دیگران دقت نظر داشتند و مردم را ارشاد می کردند (لیس منّا من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا: کسی که به کودکان ما رحم نکند و بزرگسالان ما را احترام نگذارد از ما نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله) زیرا اسلام برای همه اعم از کوچک و بزرگ شخصیت قائل است به ویژه برای این امانت هایی که زیر دست معلم هاست و یکی از اصول تربیتی اسلام است. بنابراین معلم باید بتواند غرور و تکبر نوجوانی شاگردش را به بهترین شیوه تعدیل نماید و مبادا در گفتار و کردارش چیزی شخصیت شکن پیدا شود، که همگی این موارد در جهت مدیریت برقراری ارتباط بهتر با دانش آموز است (مظاهری، ۱۳۷۰: ۸۳).

نتیجه گیری

کنش پژوهی اخیر اثرات مثبتی در حرفه ی معلمی برای محقق به ارمغان آورد و فرصت‌هایی ایجاد کرد تا بتوانیم با کسب دانش و مهارت به صورت آگاهانه به وضعیت مطلوب نائل آییم و از گسل‌های ارتباطی خارج شویم. برقراری ارتباط موثر به عنوان محور کنش پژوهی حاضر انتخاب گردید، با توجه به اینکه هر انتقال مفهومی به واسطه ارتباطات انسانی رخ می دهد، در امر آموزش که شالوده آن انتقال مفهوم از آموزش دهنده به آموزش پذیر است؛ جایگاه ارتباط دو چندان می شود.

بر اساس انجام آزمایش‌های تجربی در کلاس درس و محک زدن ۸ فرضیه به پاسخ منلسی در خصوص عنوان کنش پژوهی رسیدیم. در واقع در ابتدا فرضیات با عنایت به مطالعه، مشاوره و تامل فراوان به عنوان حدس‌های عالمانه مطرح شده بودند و بعد از اجرا به صحت و سقم آنها پی بردیم که طبق آن راهبرد های ورود با لبخند به کلاس، جایابی مناسب در کلاس، داشتن طرح درسی مناسب و پیوسته، عدم بزرگنمایی اشتباه بچه‌ها، احوال پرسی و برخورد های صمیمانه برای حل مشکلات بچه‌ها، جذاب نمودن فضای کلاس و عدم موعظه مستقیم دانش آموز، با کسب آمادگی قبلی برای حضور در کلاس به خوبی اجرا شدند و نتیجه بخش بودند. اما راهبرد توجه به همگی بچه‌ها چندان پیاده نگردید، یکی از دلایل عدم موفقیت این بود که تعداد جلسات حضور محقق در هر کلاس اندک بود و امکان شناخت خوب بچه‌ها نبود؛ دلیل دیگر این بود که چون در اکثر جلسات تدریس مدیریت کامل کلاس به عهده پژوهشگر نبود و بیشتر اوقات معلم راهنما بخشی از زمان کلاس را به انجام فعالیت های خویش اختصاص می داد، فرصت زیادی برای پیاده کردن شش مرحله تدریس نداشتیم. این راهبرد با این استناد علمی تایید می گردد با توجه به نظر دکتر سیف معلم در برخورد با یادگیرندگان مختلف باید پذیرد که هر یک از آنان ممکن است با سبک خاصی از یادگیری به انجام تکالیف درسی و یادگیری موضوع های مختلف بپردازند. بنابراین، باید آماده باشد تا با هر یک از دانش آموزان خود برخوردی متناسب با سبک و شیوه ی یادگیری او داشته باشد (سیف، ۱۳۹۲).

توسعه حرفه‌ای به مفهوم حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب حرفه ای است، در این پژوهش یکی از ضعف‌های مهم تدریس یعنی توانمندی برقراری ارتباط موثر در کلاس‌های ریاضی تا حدود زیادی برطرف گردید و مهارت ارتباط گیری و انتقال مفاهیم تقویت شد. استراتژی کنش پژوهی برای سیاستگذاری و تعیین خط مشی جهت کسب تسلط بر کلیه ی مهارت‌های حرفه‌ای حوزه آموزش مفید و کارا ارزیابی می گردد.

منابع

۱. برون، سالی؛ ارلام، کارولین؛ ریس، فیل، ۱۳۹۰. پانصد نکته برای معلمان، ترجمه سعید خاکسار. تهران: نشر موزون.
۲. چارلز، سی. ام، ۱۳۸۳. مدیریت و کلاس‌داری جذاب، ترجمه شاپور امین شایان جهرمی، مرضیه امینی. شیراز: نشر کوشامهر.
۳. حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۶۴. آداب تعلیم و تعلم در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. حسینی بیرجندی، سید مهدی، ۱۳۹۳. اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره. تهران: نشر رشد.
۵. رؤوف، علی، ۱۳۷۵. تربیت معلم و کارورزی. تهران: انتشارات فاطمی.
۶. سیف، علی اکبر، ۱۳۹۲. روانشناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
۷. شعبانی، حسن، ۱۳۹۲. مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس. تهران: سمت.
۸. علاقه بند، علی، ۱۳۹۳. مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی. تهران: نشر روان.
۹. مظاهری، ۱۳۷۰. ویژگی‌های معلم خوب. قم: نشر صحفی.
۱۰. نقیّه، مجید، ۱۳۸۹، ظرافت‌های معلمی (۶۷۸ نکته‌ی کاربردی برای معلمان). تهران: انتشارات بین المللی گاج.